

بیانات مهم رهبر معظم انقلاب در اجلاس بین المللی «علما و بیداری اسلامی»

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است

G/سرویس آذربایجان
خبرگزاری آران / سرویس ایران

به گزارش آران نیوز حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در اجلاس جهانی «علمای امت و بیداری اسلامی» سخنرانی مهمی ایراد کردند که متن این سخنرانی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد المصطفى و آله الأطيبين

و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين

به شما میهمانان عزیز خوشامد میگویم و از خداوند عزیز و رحیم میخواهم که به این تلاش جمعی برکت دهد و آن را گام مؤثری در جهت بهروزی مسلمانان سازد. «اته سمیع مجیب».

موضوع «بیداری اسلامی» که شما در این اجلاس به آن خواهید پرداخت، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده‌ی شگرفی است که اگر باذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سربرآوردن تمدن اسلامی را در چشم اندازی نه چندان دوردست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند.

آنچه امروز در برابر چشم ما است و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمیتواند آن را انکار کند، آن است که اکنون اسلام از حاشیه‌ی معادلات اجتماعی و سیاسی جهان خارج شده و در مرکز عناصر تعیین کننده‌ی حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است و نگاه تازه‌ای را در عرصه‌ی زندگی و سیاست و حکومت و تحولات اجتماعی عرضه میکند؛ و این در دنیای کنونی که پس از شکست کمونیزم و لیبرالیزم، دچار خلأ عمیق فکری و نظری است. پدیده‌ای مهم و پرمعنی به شمار میرود. این نخستین اثری است که حوادث سیاسی و انقلابی در شمال آفریقا و منطقه‌ی عربی، در مقیاس جهانی بر جای گذاشته است، و خود مبشر حقایق بزرگتری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

بیداری اسلامی که سخنگویان جبهه‌ی استکبار و ارتجاع حتی از به زبان آوردن نام آن نیز پرهیز میکنند و میترسند، حقیقتی است که اکنون تقریباً در سراسر دنیای اسلام میتوان نشانه‌های آن را دید. بارزترین نشانه‌ی آن، اشتیاق افکار عمومی و بویژه در قشرهای جوان، به احیاء مجد و عظمت اسلام و آگاه شدن آنان از ماهیت نظام سلطه‌ی بین المللی و آشکار شدن چهره‌ی وقیح و ستمگر و مستکبر دولتها و کانونهائی است که بیش از دویست سال شرق اسلامی و غیراسلامی را در زیر پنجه‌های خونین خود فشرده و با نقاب تمدن و فرهنگ، هستی ملتها را دستخوش قدرت طلبی بیرحمانه و تجاوزگرانه‌ی خود کرده اند.

ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، میتواند دلها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده‌ی اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.

در آن هنگامه‌ی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «انا رادوه اليك و جاعلوه من المرسلين». (1) تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچکتر و مایه‌ی دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فرددناه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق». (2) این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائده‌ی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امتثال امر: «فلیعبدوا رب هذا البيت» (3) به کار میبرد و میفرماید: «ألم يجعل کیدهم فی تضلیل». (4)

یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده‌ی او: «ما ودعک ربک و ما قلی»، (5) از یادآوری نعمت معجزگون: «ألم یجدک یتیمًا فأوی. و وجدک ضالًا فهدی» بهره میگیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید.

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفائی که در مقاطع اضطراب انگیز، ندای: «اتا لمدرکون» (6) سر میدادند، نهیب زده اند که: «کلا ان معی ربی سیهدين». (7)

امروز این تجربه‌ی ای گرانبها در دسترس ملت‌های است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته اند حکومت‌های فاسد و گوش به فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند. ایستادگی و صبر و بصیرت و اعتماد به وعده‌ی او: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» (8) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

اکنون در این جلسه‌ی مهم که جمعی از علمای امت از کشورها و مذاهب گوناگون اسلامی در آن حضور یافته اند، شایسته میدانم به بیان چند نکته‌ی لازم در مسائل بیداری اسلامی بپردازم:

اولین مطلب آن است که نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه که همزمان با آغاز ورود پیشقراول‌های استعمار آغاز شد، غالباً به وسیله‌ی علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد. نام رهبران و شخصیت‌های برجسته چون سیدجمال الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و دهها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و منتفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است.

در دوران معاصر هم نام درخشان «امام خمینی» عظیم چون ستاره‌ی پر فروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران میدرخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیرمعروف نیز، امروز و دیروز، نقش آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غریب‌روانی همچون حسن البنا و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب انگیز است.

روحانیان و رجال دین شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده اند و هر جا که در هنگامه‌ی تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره‌ی آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزشهای اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی میکنند این مرجعیت فکری را از پایگاه‌های دینی سلب کرده و قطب‌های جدیدی برای آن بترانند؛ که به تجربه دریافته اند که با آنان میتوان بر سر اصول و ارزشهای ملی براهتی معامله کرد! چیزی که در مورد عالمان باتقوا و رجال دینی متعهد هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

این، وظیفه‌ی عالمان دین را سنگین تر میکند. آنها باید با هوشیاری و دقت فراوان، و با شناخت شیوه‌ها و ترفندهای فریبنده‌ی دشمن، راه نفوذ را بکلی ببندند و فریب دشمن را ناکام کنند. نشستن

بر سفره ی رنگین متاع دنیا، از بزرگترین آفتها است. آلوده شدن به صله و احسان صاحبان زر و زور و نمک گیر شدن در برابر طاغوتهای شهوت و قدرت، خطرناک ترین عامل جدائی از مردم و از دست دادن اعتماد و صمیمیت آنها است. منیت و قدرت طبیبی که سست عنصران را به گرایش به سوی قطبهای قدرت فرا میخواند، بستر آلودگی به فساد و انحراف است. این آیه ی قرآن را همواره باید در گوش داشته باشند که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض ولا فساداً والعاقبة للمتقين» (9)

امروز در دوران حرکتیهای امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه هائی دیده میشود که نمایشگر تلاش عملی آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیتهای فکری نامطمئن از يك سو، و تلاش قارونهای شهوتران برای كشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلوده ی خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین مدار، باید بشدت مراقب و دقیق باشند. دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه ی متعالی و والائی که بیداری ملتها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه ی راه را ترسیم کرد و هدفهای میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود.

امروز در دوران حرکتیهای امیدبخش بیداری اسلامی، گاه صحنه هائی دیده میشود که نمایشگر تلاش عملی آمریکا و صهیونیسم برای تراشیدن مرجعیتهای فکری نامطمئن از يك سو، و تلاش قارونهای شهوتران برای كشاندن اهل دین و تقوا بر سر بساط مسموم و آلوده ی خود، از سوی دیگر است. علمای دین و رجال دیندار و دین مدار، باید بشدت مراقب و دقیق باشند. دومین نکته، لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه ی متعالی و والائی که بیداری ملتها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسائی این نقطه است که میتوان نقشه ی راه را ترسیم کرد و هدفهای میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود.

این هدف نهائی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ی ابعاض خود در قالب ملتها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره مندی انسانها از همه ی ظرفیتهای مادی و معنوی ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگوئی به نیازهای نوبه نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن سازی است.

تجربه نشان داده است که اینها همه، کارهای ممکن و در دسترس توانائیهای جوامع ما است. نباید با نگاه شتابزده یا بدبینانه به این چشم انداز نگریست. بدبینی به توانائیهای خود، کفران نعمت الهی است؛ و غفلت از امداد الهی و کمک سنتهای آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه ی: «الظالمین بالله ظنّ السوء» (10) است. ما میتوانیم حلقه ی انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرتهای سلطه گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق حق اکثریت ملتهای جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم.

تمدن اسلامی میتواند با شاخصه های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه ی پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه ی بشریت هدیه دهد و نقطه ی رهائی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد.

مطلب سوم آن است که در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه ی تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب ماندگی خجالت آور علمی، دچار شدند؛ و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه ای افتخارناگیز در همه ی این عرصه ها برخوردار بود.

این سخن را نباید به معنی دشمنی با غرب دانست. ما با هیچ گروهی از انسانها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه السلام) آموخته ایم که در باره ی انسانها فرمود: «اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق» (11) ادعاینامه ی ما، علیه ظلم و استکبار، و تحکم و تجاوز، و فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرتهای استعماری و استکباری بر ملتهای ما وارد شده است. هم اکنون نیز تحکمه و دخالتها و زورگوئیهای آمریکا و برخی دنباله روانش در منطقه را در کشورهایی که نسیم بیداری در آنها به طوفان قیام و انقلاب بدل شده است، مشاهده می کنیم.

وعده ها و وعیدهای آنان نباید در تصمیمها و اقدامهای نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده های آمریکا دل خوش کرده و رکون به ظالم را مبنای مشی و سیاست خود ساختند، نتوانستند گرهی از کار ملت خود بکشایند، یا ستمی را از خود یا دیگران برطرف کنند. آنها با تسلیم در برابر آمریکا نتوانستند از ویرانی حتی يك خانه ی فلسطینی در سرزمینی که متعلق به فلسطینیان است، جلوگیری کنند. سیاستمداران و نخبگانی که فریفته ی تطمیع یا مرعوب تهدید جبهه ی استکبار شوند و فرصت بزرگ بیداری اسلامی را از دست دهند، باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً و احلوا قومهم دار البوار. جهنم یصلونها و بئس القرار» (12)

نکته ی چهارم آن است که امروز یکی از خطرناک ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید میکند، اختلاف افکنی و تبدیل این نهضتها به معارضة های خونین فرقه ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم اکنون از سوی سرویسهای جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاستمداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و بویژه در منطقه ی عربی، با جد و اهتمام دنبال میشود و پولی که میتوانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمبگذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه های درازمدت میگردد. آنها که قدرت یکپارچه ی اسلامی را مانع هدفهای خبیث خود میدانند، دامن زدن به اختلافها در درون امت اسلامی را آسانترین راه برای مقصود شیطانی خود یافته اند و تفاوتهای نظری در فقه و کلام و تاریخ و حدیث را - که طبیعی و اجتناب ناپذیر است - دستاویز تکفیر و خونریزی و فتنه و فساد ساخته اند.

نگاه هوشمندانه به صحنه ی درگیریهای داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه ها بروشنی نشان میدهد. این دست غدار، بی شك از جهلها و عصبیتها و سطحی نگری ها در میان جوامع ما بهره برداری میکند و بر روی آتش، بنزین میریزد. وظیفه ی مصلحان و نخبگان دینی و سیاسی در این ماجرا بسیار سنگین است.

اکنون لیبی به گونه ای، مصر و تونس به گونه ای، سوریه به گونه ای، پاکستان به گونه ای، و عراق و لبنان به گونه ای درگیر یا در معرض این شعله های خطرناکند. باید بشدت مراقب و در پی علاج بود. ساده اندیشی است که این همه را به عوامل و انگیزه های عقیدتی و قومی نسبت دهیم. تبلیغات غرب و رسانه های منطقه ای وابسته و مزدور، جنگ ویرانگر در سوریه را نزاع شیعه و سنی وانمود میکنند و حاشیه ی امنی برای صهیونیستها و دشمنان مقاومت در سوریه و لبنان پدید می آورد. این در حالی است که دو طرف نزاع در سوریه، نه سنی و شیعه، بلکه طرفداران مقاومت ضدصهیونیستی و مخالفان آند. نه دولت سوریه يك دولت شیعی، و نه معارضة ی سکولار و ضد اسلام آن يك گروه سنی اند. تنها هنر گردانندگان این سناریوی فاجعه آمیز آن است که توانسته اند از احساسات مذهبی ساده اندیشان در این آتش افروزی مهلك استفاده کنند. نگاه به صحنه و دست اندرکاران سطوح مختلف آن، میتواند مسئله را برای هر انسان منصفی روشن کند.

این موج تبلیغات در مورد بحرین نیز به گونه ای دیگر به دروغ و فریب سرگرم است. در بحرین، اکثریتی مظلوم که سالهای متمادی است از حق رأی و دیگر حقوق اساسی يك ملت، محرومند، به مطالبه ی حق خود برخاسته اند. آیا چون این اکثریت مظلوم شیعه اند و حکومت جبار سکولار، متظاهر به سنی گری است، باید این را نزاع شیعه و سنی دانست؟ استعمارگران اروپائی و آمریکائی و همپایه های آنان در منطقه البته میخواهند چنین وانمود کنند، ولی آیا این حقیقت است؟

اینها است که علمای دین و مصلحان منصف را به تأمل و دقت و احساس مسئولیت فرا میخواند و شناختن هدفهای دشمنان در عمده کردن اختلافات مذهبی و قومی و حزبی را بر همه فرض می سازد.

نکته ی پنجم آن است که درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مسئله ی فلسطین جستجو کرد. از 60 سال پیش تاکنون داغی بزرگتر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. فاجعه ی فلسطین از روز اول تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است. وجوب ایستادگی و مبارزه

در برابر این دشمن حربی و غاصب، مورد اتفاق همه ی مذاهب اسلامی و محلّ اجماع همه ی جریانات صادق و سالم ملی بوده است. هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه ی دینی و ملی را به ملاحظه ی خواست تحکم آمیز آمریکا یا به بهانه ی توجیه های غیرمنطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن دوستی به او نگریسته شود. این يك محك است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه ی مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.

میهمانان عزیز! برادران و خواهران!

کید دشمن را هرگز از نظر دور مدارید. غفلت ما برای دشمنان ما فرصت آفرین است. درس علی(علیه السلام) به ما این است که: «من نام لم ینم عنه» (13) تجربه ی ما در جمهوری اسلامی در این زمینه نیز عبرت آموز است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، دولتهای مستکبر غربی و آمریکا که مدتهای مدید پیش از آن، طاغوتهای ایرانی را در مشمت خود گرفته و سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورمان را رقم میزدند و نیروی پر قدرت ایمان اسلامی در درون جامعه را دست کم گرفته و از توان بسیج و هدایت اسلام و قرآن بی خبر مانده بودند، ناگهان به غفلت خود پی بردند و دستگاههای حاکمیتی و سرویسهای اطلاعاتی و اتاافهای فرمان آنان به کار افتادند تا شکست فاحش خود را جبران کنند.

انواع توطئه ها و ترفندها را در این سی و چند سال از آنان دیده ایم. چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است: ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به وسیله ی ایمان صادقانه به وعده ی الهی، و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین میشود. ملتی که صدق و صمیمیت پیشوایان را باور کند، صحنه را از حضور پر برکت خود رونق میبخشد؛ و هر جا که ملت با عزم راسخ در صحنه بماند، هیچ قدرتی توان شکست دادن آن را نخواهد داشت. این تجربه ی موفق برای همه ی ملتگاهی است که با حضور خود بیداری اسلامی را رقم زدند.

از خداوند متعال هدایت و دستگیری و کمک و رحمتش را برای شما و همه ی ملتگاهی مسلمان مسئلت میکنم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته